



نقد نگارشی یک رای

زنده به سخن

محمد رضا خسروی

طالع گنجهای شاعر بلند آوازه قرن هشتم، بیش از آنکه در سال ۹۹۵ هـ. ق چشم از جهان برگیرد، مسلمان نگران سرنوشت تلخ سخن بود که گذشته بر لب و چیزی را پس پشت نهاده بود و آینده بی بسیار مهر و موالود را در پیش روی می داشت، شاید او بیش از هر چیزی متوجه این نکته بود که سخن و به تبع آن وجه مکتوب آن یعنی نوشته، با روزگار نگران کننده بی مواجه خواهد بود و به هر حال او که خود را «زنده به سخن» معرفی می کرد قطعاً نمیخواست که سخن هم زنده به او باشد، آری سخن باید به ابدیت پیوند خورد، نه به هیچ کس دیگری چرا که:

حفظ هر اندیشه که پیوسته اند
بر پر مرغان سخن بسته اند

در این سخن که هیچ اندیشه ای بی مدد سخن اوج نخواهد گرفته و این یعنی که اگر اندیشه اینتر بماند و به کج فراموشی در غلند قطعاً نتوانسته است از طریق سخن به پرواز درآید و خود را به مخاطب برساند.

سخن گفتن و نوشتن که هر دو بر کلمه و کلام تکیه دارند در واقع دست احساس و تفکر و اندیشه را می گیرند تا از سکوت به حرکت برسند اگر نه صاحب اندیشه هیچ فرقی با دیگران نخواهد داشت.

من هنگامی که با برخی از آراء دادگاههای دادگستری رویه روی می شوم جز افسوس خوردن بر سرنوشت ادب فارسی که به وسیله همکاران من در کشتارگاه دکالفا ذبح می شود کاری از دستم بر نمی آید الا همین کارک کم اثری که می بینید بدل

شده است به پشت دست گزیدنی خاموش در حاشیه آرام به اصطلاح صادره ۱۱ از دادگاهها، اما در همین جا شما را هم فرا می خوانم تا در افسوس خوردن یا من نیاز و همنا باشید پس نخست بنگرید به این رای که شاید در شمار تازه ترین آرائی باشد که از دادگاهی در تهران صادر شده است.

رای دادگاه:

در خصوص دادخواست تقدیمی خانم زهرا... فرزند محمد بطرفیت همسرش آقای امیر... فرزند سهراب مجهول المکان بخوانسته صدور گواهی عدم امکان سازش و طلاق با استناد به عقدنامه شماره ۲۶۱۳۴۹-۶ بهمن ۱۳۸۲ اظهار داشت در تاریخ ۸۲/۱۱/۱۶ با خواننده عقدکرده یک هفته پیش زندگی نکرده است بعلم اینکه همسرش بددمن و دست بزن و در مجموع سوء معاشرت و رفتار دارد و ترک منزل نموده است و قادر نیست با ایشان ادامه زندگی مشترک بدهد در حال حاضر نه ماه است که بلا تکلیف مانده و با نیازهای مادی و معنوی وی توجه نکرده است چند بار در مورد نفقه و مهریه دادخواست تقدیم نموده منصرف شده است شاید بتواند با خواننده زندگی نماید ولی نتوانسته است نظر به مجموع اوراق و تحقیقات بعمل آمده توسط واحد نظریه داوران و تحقیقات بعمل آمده توسط واحد محترم مددکاری و اینکه خواننده با وصف ابلاغ قانونی حضور نیافته و دفاعی معمول نداشته است و اینکه بند ۸ از شرایط ضمن عقد بنظر دادگاه محقق است خوانسته خواهان موجه بوده استناداً به مواد ۱۱۱۹ و ۱۱۳۰ و تبصره الحاقی از ماده اخیر و ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق

مصوب ۱۳۷۰ حکم طلاق خواهان را صادر و اعلام می نماید زوجه می تواند ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ و قطعیت دادنامه می تواند در یکی از دفاتر رسمی طلاق حاضر شده و با استفاده از اختیارات حاصل از شرایط ضمن عقد مقرر در عقدنامه و بدل حداقل یک سکه از مهریه ما فی النکاح خود و قبول بدل از طرف زوج به اجرای طلاق از نوع صلح و نیت آن اقدام نماید زوجین فاقد فرزند مشترک بوده و در حال حاضر نیز حسب اقرار و گواهی پزشکی با و دار نیست رای صادره غیابی بوده ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل و اجواهی در این دادگاه پس از آن قابل اعتراض در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می باشد.

- ریسی شمه... دادگاه خانواده تهران...
 لابد انتظار دارید که پس از نگاه به چنین رایها بشنیم و ایرادهای ادبی و نگارشی آن را بر شمارم این البته انتظار به حقی است لیکن مشکل کار و زشتی صورت پرونده رای بیشتر از آن است که با دخالتی ویرایشی به صلاح آید. من ویراستاری این رای را تعهد نمی کنم اما می توانم به شما نمایندگی بدهم که از صادر کننده رای بپرسید- چه کسی یکباره در اثنای فرمایشات دادگاه با دودیدن به وسط معرکه ظاهر داشت؟ ۲- جمله «با خواننده عقدکرده آیا با نقل از خواهان در متن رای آمده است یا از ابتکارات صادر کننده رای است؟
 ۳- عبارت «به علت این که همسرش بددمن و دست بزن و در مجموع سوء معاشرت و رفتار دارد» چگونه عبارتی است واز ادبیات کدام طبقه گرفته شده است؟ و گرم که عریضه نویسی از زبان خواهان چنین توهانی را به قلم آورده باشند آیا سزاوار است که عیناً از صافی ذهن قاضی بگذرد و در متن رای جا خوش کند؟
 ۴- جمله «حسب اقرار و گواهی پزشکی با و دار نیست» اگر نگوییم که مقید در اقرار به وسیله ثالث است آیا با این اشکال مواجه نیست که بنیانی در هم تنیده و ضعیف دارد؟
 ۵- عبارت «رای صادره غیابی بوده» این پرسش را بی درنگ به ذهن متبادر می کند که اگر رای در سابق غیابی بوده است! حالا چه وضعی دارد؟ چرا نویسنده رای، صادر شده را به گذشته نسبت می دهد، آیا جز این است که ایشان به کاربرد افعال کمکی و وجوه وصفی آشنایی ندارند؟
 خواننده رای می تواند همچنین به نمایندگی از سوی صاحب این قلم بسیاری از پرسشهای دیگر را هم با انشا کننده رای در میان نهد اما به نظر می رسد اگر هم ما لب از گفت و گو فرو بندیم باز هم این مرحوم نظامی است که پرسشهای خود را بی خواهد گرفت:
 گر نه سخن رشته جان تافتی
 جان سر این رشته کجا یافتی؟